

مقدمه

معلقات سبع از جمله بهترین قصائد دوران جاهلی و در بردارنده ویژگی‌های شعر شعرای آن دوران، و در بردارنده نکات نحوی و لغوی و اطلاعات تاریخی و جغرافیائی مهمی از آن دوران می‌باشد و بر همین اساس در طول روزگاران مورد توجه بسیاری از شاعران و شعراء و پژوهشگران و خاورشناسان قرار گرفته است و تا به حال شروع متعددی بر این قصیده نوشته شده که از جمله می‌توان به شرح استاد ترجمانی‌زاده و عبدالحمید آیتی اشاره کرد ولی از آنجا که شروع پژوهشگران و اندیشمندان به این قصیده به علت وسعت کار، تقریباً سطحی بوده و زیاد به بسط و گسترش معانی واژه‌ها توجه نشده و همینطور به نکات بلاغی و نحوی آن کمتر پرداخته شده لذا بنده بر آن شدم که کتاب «احسن السبک فی شرح قفا نبک» را که شرح و تحلیلی تقریباً کامل از معلقه‌ی امرؤالقیس می‌باشد را با امانت‌داری کامل به زبان فارسی ترجمه نمایم همینطور با عنایت بر اینکه احساس نمودم دانشجویان ادبیات عرب نسبت به زبان انگلیسی نوعی غربت و بیگانگی را در وجود خود به خود القا می‌کنند لذا بر آن شدیم تا ابیات و لغات مشهور هر بیت را به زبان انگلیسی نیز ترجمه کنیم که البته به علت کمبود فرصت و گستردگی مطالب معترف هستم که از این امر توفیق چندانی حاصل نشد ولی امیدوارم در اثرات بعدی این نقص تکمیل گردد.

لازم به ذکر است که آشنائی هر چه بیشتر با زندگی شعرای عصر جاهلی و شعرای معلقات و خصائص شعری آنها از خلال تجزیه و تحلیل سؤالاتی میسر می‌شود که عبارتند از:

- ۱- چرا به این دوران عصر جاهلیت گفته می‌شود؟
- ۲- خصائص شعری دوران جاهلیت چیست؟
- ۳- خصوصیت‌های معلقات مخصوصاً معلقه‌ی امرؤالقیس چیست؟
- ۴- اغراض شعری شعرای جاهلی و به خصوص شعرای معلقات چیست؟

این رساله دارای مقدمه و شش فصل است که در فصل اول به علت تسمیه دوران قبل از بعثت به دوران جاهلی پرداخته شده و در فصل دوم به اغراض شعری دوران جاهلی و خصائص این اشعار پرداخته شده و در فصل سوم به خصائص معلقات سبع و علت تسمیه این قصائد به این عنوان پرداخته شده و در

فصل چهارم حیات امرؤالقیس مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً در فصل پنجم کتاب به صورت کامل ترجمه و شرح داده شد و ترجمه‌ی ابیات و لغات مهم به زبان انگلیسی هم آورده شده و در فصل ششم تمام ابیات این معلقه کلمه به کلمه ترکیب شده و نکات بلاغی موجود در ابیات هم توضیح داده شده است امید است پژوهشگران و استفاده‌کنندگان از این تحفه‌ی ناقابل بنده را از کاستیهای موجود در این رساله معذور بدانند.

فصل اول:

معنی و مفهوم جاهلیت و اوضاع اجتماعی و دینی عصر جاهلی

۱-۱. عصر جاهلیت به چه زمانی اطلاق می‌گردد

گرچه در ابتدا اینگونه به نظر میرسد که عصر جاهلی تمام دوره‌های قبل از اسلام را در بر می‌گیرد و بر ما قبل تاریخ تا ظهور اسلام اطلاق می‌گردد ولی پژوهشگران عصر جاهلی را که ما در صدد آن هستیم این چنین توسعه نمی‌دهند بلکه آنان از یک قرن و نیم تا دو قرن قبل از بعثت رسول اکرم (ص) یا فراتر نمی‌نهند و به همین دوره از زمان اکتفا میشود و این همانی زمانی است که از آغازین روزهای آن ویژگیهای زبان عربی کامل شده است و شعر جاهلی که به دست ما رسیده متعلق به همین دوره می‌باشد.^۱

جرجی زیدان در کتاب خود «تاریخ آداب اللغة العربیه» عصر جاهلیت را به دو قسمت جاهلیت اول یا عصر قدیم، از ماقبل تاریخ تا قرن پنجم میلادی و جاهلیت دوم (ثانی) یا عصر جاهلی کمی پیش از اسلام از قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام تقسیم می‌کند او معتقد است زبانی که از طریق شعر جاهلی و ضرب المثلها به دست ما رسیده و در قرآن کریم به طور کامل تجلی یافته نمی‌تواند حاصل یک قرن و دو قرن باشد بلکه این زبان زبانی پخته، کامل و فصیح است و دوره ای پیشین که در هاله ای از ابهام فرو رفته بود کودکی خود را پشت سر گذارده و در دوره ای که شعر آن به دست ما رسیده یعنی یکی دو قرن قبل از اسلام به کمال خود رسیده است همچنین او یک زبان را زبان مردمانی متمدن می‌پندارد نه شورشیان نادان.^۲

شاید جرجی زیدان درست بگوید چرا که تصویری که قرآن کریم نیز از مردم عرب پیش از اسلام به ما می‌دهد تصویر مردمی متمدن است که سدهای بزرگ ساخته اند و در خانه های مستحکم در دل کوهها می‌زیستند مردمانی متمدن و ثرتمند چون عاد و ثمود و چون قوم سبا. گرچه این مردمان از بین رفته اند و عربهای که بعد از آنان آمده‌اند بیشترشان صحرا نشین و بیابان نورد، با خلق و خوی بیابانی و وحشیگری شده اند، ولی تمدن و فرهنگ آنها نمی‌توانسته کاملاً از بین رود بلکه در گفتار جانشینان صحراگردشان ظهور یافته است و از نمونه های قرآن کریم می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد:

۱ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ص ۳۸.

۲ - جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه، الجز الاول، ص ۲۶-۲۸

(ولقد اهلکننا ما حولکم من القرى و صرفنا الايات لعلهم يرجعون).^۱

«ما چه بسیار اهل شهر و دیار را که در اطراف شما بودند همه راهلاک کردیم و آیت عبرت برای مردم گردانید تا مگر به درگاه خدا باز گردند.»

این آیه و آیه های دیگری از این قبیل بر تمدن و شهر نشینی عرب بهای باینده دلالت دارند ولی هر چه که باشد این تمدن و دوران آن در غبار فرورفته و تنها آیات قرآن کریم و نقش های بدست آمده می توانند رهنمون ما به آن باشند.

۱-۲. چرا عصر جاهلی بدین عنوان نامگذاری شده است؟

میان دانشمندان و مورخان در مورد اینکه چرا قرآن کریم اعراب قبل از اسلام را اهل جاهلیت خوانده اختلاف نظر وجود دارد برخی دلیل آن رواج بت پرستی و جهل و برخی دیگر دلیل را رواج دشمنی و خونریزی میان قبایل و عشایر عرب دانسته اند.^۲

و نکته ای که در اینجا قابل توجه است این است که کلمه جاهلی که بر این عصر اطلاق شده از جهل که متضاد علم می باشد مشتق نشده بلکه از جهل به عنوان سبک مغزی، خشم و نادانی مشتق گردیده است و در مقابل کلمه اسلام می باشد که بر فروتنی و عبادت خدای تبارک و تعالی و هر آنچه که اخلاق نیکو را در بر می گیرد دلالت دارد و این کلمه (جاهلی) در قرآن کریم حدیث نبوی و شعر جاهلی نیز به همین معنی ننگ و عار و سبک مغزی و خشم نادانی آمده است.^۳

چرا که همانگونه که اکثر تاریخ نویسان از جمله جرجی زیدان و دیگران اشاره کردند عرب جاهلی از علم و دانش بی بهره نبوده است پس همانگونه که اشاره کردیم جهل در اینجا نمی تواند در مقابل علم باشد و دلیل بهتر برای کلام ما قرآن کریم است آنجا که خداوند می فرماید (قالوا اتَّخَذْنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ)^۴ «قوم گفتند ما را به تمسخر گرفته ای» موسی گفت پناه می برم به خداوند از

۱ - احقاف / ۲۷

۲ - حنا الفاخوری، تاریخ الادب العبری، ترجمه می عبدالحمید آینی، ص ۳۵

۳ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العبری، ترجمه می علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ص ۳۹

۴ - بقره / ۷۶

آنکه سخن به فسون و تمسخر گویم که این کاغر مردم نادان است [تر جمه الهی قمشه‌ای] و در سوره اعراف این چنین فرموده است:

(خذ العفو . امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین).^۱

(ای رسول ما) طیقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و (چنانچه نپذیرند) از مردم نادان روی بگردان. [تر جمه الهی قمشه‌ای] و از این نوع نمونه ها در قرآن کریم باز هم دیده می‌شود که در آنها جاهل به معنای نادان و سبک مغز می‌باشد و در حدیث نبوی چنین آمده است: «انک امر و فیک جاهلیه» (تو انسانی کم خرد و نادان هستی) و در معلقه عمرو بن کلثوم تغلیبی چنین آمده است:

الا لا یجهلن احدٌ علینا فتجهل فوق جهل الجاهلینا

(هان در باره مفاخر ما کسی خود را به نادانی نزنند که ما نیز برتر از نادانی نادانان نادانی خواهیم کرد) در تمام این متنها واضح و روشن است که این کلمه از قدیم برای دلالت بر نادانی، سبک مغزی و کم خردی به کار گرفته شده است و بر عصر نزدیک به اسلام یا به عبارت دقیقتر درست بر عصر قبل از اسلام و هر آنچه از شرک، تعصب، تکبر، خون خواهی، و ارتکاب گناهایی که دین اسلام آنها را حرام گردانیده است اطلاق شده است.^۲

۱-۳. وطن عرب

وطن عرب که آن را شبه الجزیره عرب یا جزیره عرب می نامند سرزمینی است پهناور میان دریای احمر و اقیانوس هند و خلیج فارس و خطی خیالی از بالای عقبه تا فرات.^۳ بیشترین قسمت این شبه جزیره را صحرایی خشک و بی آب و علف فرا گرفته است تنها در بخش جنوب غربی و بیشتر در یمن اندک رطوبتی وجود دارد ولی یکنواختی بقیه صحرا را تنها چند واحه که در

۱ - اعراف / ۱۹۹

۲ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، ص ۳۹

۳ - حنا الفاخری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۱۷

کنار چاه های آب ایجاد شده و اگر بارانی فرو افتد صحنه ای زیبا از گیاهان در آن ایجاد خواهد شد اندکی تغییر داده است.^۱

بنابراین این سرزمین گسترده در دوره جاهلی بر پهنه ی وسیعی از زمین کشیده شده بود که دارای مناطق مختلفی بود و این مناطق آن را به شکل سرزمینهای گوناگونی نشان میداد، گرچه یک سرزمین بیش نبود و مناطق گوناگون آن را نامهایی که عبارتند از: حجاز، یمن، حضرموت، عمان، بحرین، نجد و... و گرچه این مناطق در کنار هم قرار گرفته بودند ولی حجاز که بعدها گهواره اسلام شد، دارای اهمیتی بیشتر بوده است.

این وطن پهناور را مردمانی بوده که در ژرفنای دره ها، بلندای تپه ها، دشتهای وسیع، قله های رفیع، صحراهای تودرتو و ساحلهای دریا می زیسته اند و بی شک آب و هوای گوناگون این سرزمینها در شغل، زندگی اجتماعی و روابط اقتصادی مردمانش بی تاثیر نبوده است.

۱-۴. هجرت به شمال

اعراب به دو دسته بزرگ بئده و باقیه تقسیم می شوند: اعراب بئده یعنی آنهایی که از میان رفته اند چون عاد، ثمود، طسم و غیره و تنها آثار به دست آمده از کتیبه ها، نقشها و آیات قران کریم بر وجود آنان در دوره ای از زمان دلالت دارد اما اعراب باقیه خود به دو دسته بزرگ قحطانی ها و عدنانی ها تقسیم می شوند، قحطانی ها یا عرب عاربه همان اعراب اصیل هستند که نسبت آنها به یعرب بن قحطان میرسد و آنها در جنوب شبه جزیره می زیسته اند اما عدنانی ها یا عرب مستعربه، عرب شده اند و اینان همان عرب شمال هستند.^۲

به هر حال اقتصادی و سیلسی عرب جنوبی را مجبور به مهاجرت به شمال جزیره العرب می کند و قبایل یمن (عرب جنوب) در هر سوی شمال پراکنده می شوند و این پراکندگی باعث اختلاط میان عرب جنوب و شمال از طریق همسایگی، پیوند زناشویی، تجارت و حتی جنگ می شود و لی این دو گروه

۱ - عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه ی آذرتاش آذرنوش، صص ۱۵-۱۶

۲ - همان، ص ۱۶

عرب های شمالی و جنوبی با وجود اختلاط باز هم اختلافشان را کنار نگذاشتند و حتی بعد از اسلام هم به آن ادامه دادند.^۲

۱-۵. زندگی بدوی و حضری و نظام حکومتی عرب جاهلی

قوم عرب یه دو گروه حضری و بدوی تقسیم می شدند، حضریان ساکنان نواحی جنوبی بودند که در یک جا ساکن شده بودند و به عبارتی شهرنشین و متمدن بودند و تمدنشان بر اساس تجارت یا زراعت و گاه صنعت پایه ریزی می شد.^۱

ولی بیشتر اعراب بدوی بودند که با چراندن گوسفندان و چهارپایان زندگی می کردند اینان هیچ چیزی را بر زندگی صحرايي و بدوی خود برتری نمی دادند و بسیار ساده می زیسته اند ولی نباید پنداشت که این زندگی ساده راحت هم بوده است چرا که صحرا پر بوده از خطرها و ترسها هم حیوانات وحشی، مارها و حشرات در آن فراوان بودند و هم پر بوده از بیابانهای هولناک، بادهای کشنده، شبهای پر از ترس و دلهره، خیالات و توهم جن و غول و بالاتر از همه اینها برخی عربها در کمین برخی دیگر بوده اند چرا که زندگیشان زندگی خونینی بوده است.^۲

بنابراین از نظر روش زندگی عرب جاهلی، تفاوت واضحی میان زندگی بدوی و حضری وجود دارد، برخی قبایل در یکجا ساکنند و حال آنکه برخی دیگر به شکل بدوی زندگی می کنند و نمی توان میان این دو گروه در شیوه زندگی اختلاط ایجاد کرد.^۳ و همین بدوات است که خوی و منش عربی را شکل می بخشد.^۴

آنان مدافعان سرسخت شرف و سنتهای قبیله خویش هستند همانگونه که مدافعان داراییهای مادی خود میباشند سختی زندگی بدوی و نبودن یک قدرت وحدت آفرین باعث شده بدوی به حفظ خصوصیات قبیله ای و شخصی توجه کند و به همان اندازه از حس اجتماع گرایی دور شود و همین

۱ - حنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۰

۲ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، ص ۷۸

۳ - رژی بلاشر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۳۷

۴ - حنا الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۱

زندگی سخت باعث شکل‌گیری خوبیهای متضاد در بدویان شده است به طوری که آنان کرم و بخشش را با چپاول و غارت مسافران و قبایل ضعیف تر گرد آورده اند همانگونه که هم وفادارند و هم در تدارک توطئه و کمین به قصد خیانت و هم شجاعند و هم محتاط یزدل.

قرآن کریم شاهدهی براین مدعای ماست قرآن تنها به ما چهره متمدن و روشنفکر از امت عرب نمی‌دهد بلکه بخش دیگری از زندگی عرب جاهلی را هم به ما نشان می‌دهد و آن زندگی شهری است که به عقیده طه‌حسین شعر جاهلی از به تصویر کشیدن این زندگی شهری برکنار بوده به عقیده او شعر جاهلی تنها به صحرا نظر دارد و هر جا به زندگی شهری می‌رسد اشاره‌ای سطحی و گذرا دارد حال آنکه قرآن زندگی شهری را هم شرح می‌دهد.^۱

ما اینجا قصد رد یا تایید نظریه طه را نداریم و تنها آن را به عنوان شاهدهی آوردیم تا نشان دهد که هم قرآن کریم و هم شعر جاهلی زندگی عرب جاهلی را به دو بخش بدوی و حضری تقسیم کرده است گرچه ممکن است تصویر زندگی شهری در شعر جاهلی کمی کم رنگ تر باشد ولی به هر حال شعر جاهلی و احوال شاعران آن هم مانند قرآن کریم به ما تصویری از حکومت‌های عرب جاهلی می‌دهد این حکومتها که مسلما در شهرها بوده‌اند در کنار نظام قبیله‌ای سیستم حکومتی عرب جاهلی را برای ما به تصویر می‌کشند.

قرآن کریم با ما از روم و رابطه‌اش با عرب و آنچه میان روم ایران و رابطه‌اش با عرب بوده و تقسیم عربها به دو گروه طرفدار این حکومتها سخن می‌گوید (همان: ۷۵) و این دو گروه دو فرمانروای عربی که دو تمدن بزرگ آن دوره عربها به شمار می‌روند شامل میشوند یکی در منازره در حیره و دیگری غسانیان در شام. از دیگر شهرهای عرب نشین میتوان به مکه و دیگر شهرهای حجاز اشاره کرد که مکه در آن زمان جایگاه تجارت، عبادت و کعبه بوده و مرکز دینی، اجتماعی، تجاری و اقتصادی مهمی به شمار می‌رود و در آن زبان قریش به خاطر جایگاه دینی‌اش حاکم بوده و این زبان به دلیل تجارت در دیگر

۱ - طه‌حسین، فی الشعر الجاهلی، صص ۷۴-۷۹

شهرهای عربی هم رواج یافته است و دارای جایگاه ادبی والا و بلند مرتبه‌ای گردیده است بنابراین مکه مهمترین شهر در دوره جاهلی و جایگاه امن برای عرب جاهلی بوده است.^۱

شهرهای مهم دیگر طائف، یثرب (مدینه) می‌باشند که مردمانش به شکل بدوی و در چادرها و خیمه‌ها زندگی می‌کردند و تنها یهودیان یثرب در روستاها زندگی می‌کردند.^۲

قبایل بدوی عرب به دو دسته عدنان مضر و قحطان جنوبی تقسیم می‌شدند و فخر به یمنی، قحطانی، عدنانی و مضر بودن در شعر جاهلی فراوان دیده می‌شود.^۳

گرچه ما شاهد حکومت‌هایی در شهرها هستیم ولی بدویان به هیچ نظام حکومتی جز نظام قبیله‌ای گردن فرونهاده بودند و تنها حکومتی که آنان می‌شناختند، خانواده و عشیره و قبیله بوده است جامعه آنان قبیله و خیمه بوده نه امت و ملت.^۴

هر قبیله رئیسی داشته است که سید یا شیخ بوده و او باید ویژگیهای مهم عربها را در بالاترین حد خود دارا باشد و این ویژگیها شامل بخشندگی، شجاعت، وفاداری و غیره می‌باشد او را بزرگترها انتخاب می‌کردند و در شورای آنها مورد تایید قرار می‌گرفته است.^۵

رئیس قبیله باعث وحدت افراد بوده و در دادرسیها داور قرار می‌گرفته و افراد قبیله وظیفه داشتند از دیگر افراد قبیله خود و هم پیمانان قبیله‌شان چه ظالم و چه مظلوم دفاع کنند و این حمایت فرد قبیله و حمایت قبیله از فرد براساس احساس همبستگی بدوی به قبیله «عصیت» نامیده می‌شده است.^۶

رژی بلا شیر معتقد است که نظام اجتماعی قبیله ای که در راس آن شیخ یا سید و شورایی متشکل از روسای خانواده ها وجود دارند همان شورایی که بررسی تمامی مسایل قبیله به آن برمی‌گردد به کار بردن صفت دموکراسی را برای جامعه عربی صحیح می‌شازد او صفت دموکراسی را برابر با غریزه اجتماعی

۱ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، صص ۵۰-۵۱

۲ - همان، صص ۵۳-۵۴

۳ - همان، ص ۵۵

۴ - حنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۱

۵ - عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، صص ۱۷-۱۹

۶ - حنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۱

بودن به جای موسسه های سیاسی می‌داند و معتقد است که یک عرب میان دو قطب در نوسان است یکی فردیت و دیگری تکالیف جمعی و این شورا است که وظیفه ایجاد صلح اجتماعی را بر عهده دارد و در راس آن سید یا شیخ قرار دارد و وجود سید در راس شورا دلیل بر صلاحیت تام او نیست بلکه فرمانهای او تابع تصمیم های شورا است.^۱

و قبیله جاهلی از ۳ طبقه تشکیل میشوند: فرزندان (ابناء) که اربطه‌ی خونی و نسبی میانشان بوده و ستونهای قبیله بوده‌اند، بندگان (عبید) که از سرزمینهای دیگر و به خصوص حبشه گرفته شده بودند، موالی که هم پیمانان قبیله بودند.^۲

پیوند واقعی میان عربها، همان پیوند خونی و نسبی بوده، و همه حقوق و وظایف ناشی از همین خون است که در رگهای مردان جریان دارد حس یگانگی اجتماعی، بسیار قوی است، و هر تعرضی که متوجه یک شخص تنها باشد، بردوش قبیله سنگینی می‌کند و تمام قبیله سنگینی می‌کند و تمام قبیله رفع آن را می‌طلبد، حتی اگر با سلاح و جنگیدن باشد.^۳

هر چند که روابط بین فرد و گروه در قبیله جاهلی قوی و محکم بوده، ولی گاه اتفاقی رخ میداده که باعث قطع شدن این روابط می‌گشته و باعث ظهور گروهی به نام خلعاء می‌شده است.^۴

و از جمع این خلعاء و همانندانشان گروه مشهور صعاليك يادزدان شکل گرفته است آنها اوقاتشان را در صحرا سپری میکردند و روششان غارت و بستن راهها بود در میان آنها شاعرانی بوده‌اند که غارتهایشان را می‌سروده‌اند گویی که ماجراجوییها نیکو بوده است و اینها افرادی شجاع و بی‌باک بودند که مردم از آنان می‌ترسیده‌اند و آنان نیز شجاعت و دزدی را با بخشش و حفظ آبروگرد آورده بودند و این براساس آن چیزی است که در ابهر تابط شرا، شنفری، سلیک بن سلکه می‌دانیم.^۵

۱ - رژی بلاشیر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۴۰

۲ - همان، ص ۶۷

۳ - عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۱۷

۴ - رژی بلاشیر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۴۶

۵ - همان، ص ۴۷

ولی برخی از این دزدان نیز به خاطر فضل و برتری که داشتند در میان قبایل خود باقی می ماند مثل عروه بن ورد او کریمی بخشنده است که فقیران، نیازمندان و مریضان قبيله اش را در خیمه خویش جمع می کرده است، و برایشان پرچین های قرار می داده که در آن پناه می گرفتند و غنیمت هایش را میان آنها و خود تقسیم می کرده است.^۱

۱-۶. زندگی اقتصادی داخلی و خارجی عرب

گفتیم که جزیره العرب سرزمین وسیعی است، در این سرزمین پهناور همانگونه که روش زندگی متفاوت بوده، شغلها نیز متنوع و متفاوت بوده است.^۲

مردم سرزمینهای متعادل به کشاورزی مشغول بودند، گروهی نیز در ژرفنای صحراهای داغ تیروکمان یا شمشیر و نیزه خود را برای شکار به همراه می بردند و در کنار این سه گروه گروهی هم به تجارت می پرداختند، تاجران از اهالی مکه بودند، مکه در دوره جاهلی شهر تجاری بزرگی بود.^۳

این تجارت قافله ها و نیاز به حامیانی که در صحرا از آنان دفاع کند منبع ثروتی برای عرب بدوی به شمار می آمده ولی جنگ و سلاح هم راه دیگری برای رسیدن به مال بوده است که گاه بر سرچشمه های آب این جنگ رخ می داده و گاه هدف از جنگ دزدی و غارت بوده است.^۴

اما گروه چهارمی وجود داشته که به شغل های کوچک و صنعت های بزرگ می پرداخته و این باعث شده بود که برخی از شهرها به بعضی صنعتها شهرت داشته باشد.

ولی زندگی اقتصادی خارجی عربها، تجارت شهرنشینان بخصوص اهل مکه بوده، که هم میان عربها و هم غیر عربها جریان داشته است گرچه تجارت باعث شده بود که ثروتمندان زیادی در میان آنان باشند

۱ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه ی علیرضا قراگزلو، ص ۶۷

۲ - رژی بلاشیر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه ی آذرتاش آذرنوش، ص ۳۸

۳ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه ی علیرضا قراگزلو، ص ۷۶

۴ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه ی علیرضا قراگزلو، ص ۷۷

ولی در کنار این ثروتمندان فقیران و صعالیک نیز بوده اند که میان فقیر نیازمند و ثروتمند بزرگوار فرقی بسیار بوده است.^۱

۱-۷. اخلاق عرب جاهلی

از نظر اخلاقی ما در جزیره العرب شاهد دو نوع اخلاق کاملاً متضاد هستیم عرب جاهلی گاه دارای عالی‌ترین نمونه‌های اخلاقی است و گاه پست‌ترین اخلاقها را دارد.

او به پذیرایی از مهمانها و بخشش در زمانهای خشکسالی و سختی اهمیت فراوانی می‌داده و آنها را وسیله حفظ آبرو به شمار می‌آورده است.^۲

همانا مهمترین ویژگی کرم بوده که زندگی در صحرای سخت آنها را به سوی آن سوق می‌داده و باعث می‌شده است که در سالهای خشکسالی شترانشان را برای اطعام و مهمانی قبیله و مهمانانشان قربانی کنند و آتشی را در شب بر بالای تپه یا کوهی روشن کنند تا گمشدگان در صحراها به آن پناه برند و آنان پناهنده‌گان را حتی اگر دشمنانشان بودند پناه میدادند و در امنیت قرار می‌دادند، فخر به این آتش در شعرهایشان دیده میشود.^۳

ولی آفتهایی هم در این زندگی جاهلی وجود داشته که شاید مهمترین آنها شراب، قمار و مباح دانستن زنان بوده است.^۴

به طور کلی اخلاق عربها به خصوص بدویان مولود صحراها و زندگی بدوی است و شاید همین صحنه‌ی خشک و خشن زندگی باعث شده است که بدوی اخلاقهای متضادی را در خویش گرد آورند.^۵

۱ - رژی بلاشیر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۴۶

۲ - رژی بلاشیر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۳۸

۳ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، ص ۶۷

۴ - همان، ص ۷۱

۵ - عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۱۹

بادیه عربهای بدوی را از هجوم دشمن حفظ می‌کرده و برای همین بدوی آزاد و همواره خواهان آزادی و استقلال بوده و سر برابر هیچ بیگانه‌ای فرود نمی‌آورد همانطوریکه به هیچ نظام و قانونی گردن نمی‌نهاده است.^۱

تنهایی و گوشه‌گیری روح فرد گرایی را در او تقویت کرده بود، برای همین او تلاشی برای رسیدن به اجتماع نمی‌کرده و تنها به مصالح خود و قبیله اش اکتفا می‌کرده است.^۲

علاقه فراوان به نیکنامی، و همچنین زندگی سخت در آن وضعیت خطرناک روحیه‌ی گرم و مهمانداری را در بدوی حفظ کرده بود تا هم حمد و ثنای دیگران را کسب کند و هم در مواقع نیاز در برابر عمل نیکش همان پاداش نیک را دریافت کند.

خصلت دیگر او وفا، عزت نفس و جوانمردی بود و همین پایبندی به وفا بود که گاه باعث جنگ و فدا کردن عزیزان در راه یک خویشاوند یا همسایه یا پناهنده می‌باشد. در عین حال او ستم ناپذیر بود و از ضعیف در برابر تجاوز قوی دفاع می‌کرد.^۳

در کنار همه‌ی این خصلت‌های زیبا عرب جاهلی خویهای ناپسندی هم دارد گرچه در بیشتر شعر جاهلی عرب را بخشنده‌ی ای کریم نشان می‌دهد که به مال توجهی ندارد و آن را تحقیر می‌کند ولی قرآن کریم چهره‌ی دیگری از عرب جاهلی را به ما نشان می‌دهد و آن بخل، طمع، ربا و خوردن مال دیگران است که قرآن آن را نکوهش می‌کند.

برای اثبات ادعای ما تنها یک نگاه به آیاتی که قرآن در این زمینه دارد به ما نشان می‌دهد که گرچه برخی از عربها بخشنده و کریم بوده‌اند ولی در کنار آنها گروهی هم بخیل بوده‌اند، برای نمونه این آیه شریفه را می‌توان ذکر کرد: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا»^۴ «آنان که اموال یتیم را به ستمگری می‌خورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم را فرو می‌برند و به زودی به دوزخ در آتش فروزان قهر حق خواهند افتاد» [ترجمه الهی قمشهای: ۷۸]، در واقع

۱ - حنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۲

۲ - همان، ص ۲۳

۳ - همان، ص ۲۷

۴ - نساء / ۱۰

این گونه آیات که نشان دهنده بخل و طمع آنان است متناسب با زندگی شهر نشینی در مکه و مدینه است، که تجارت مایه‌ی زندگی انی دو شهر بوده و تاجران محتاج ربا، بخل و طمع و ظلم بوده‌اند، چرا که آنان دوستدار مال و خواهان جمع آن بوده‌اند و ناچار به ربا، بخل، ظلم و طمع تن داده‌اند.^۱

گرچه شعر جاهلی تصویری تقریباً زیبا و روشن از زندگی جاهلی عرضه می‌دارد، ولی این تصویر گاهی هم ضعیف و کم رنگ میشود. مخصوصاً زمانی که به شهرها میرسد وضوح کمتری دارد و شاید دلیل آن را بتوان در این دانست که بیشتر شاعران جاهلی به جز انگشت شماری از بادیه برخاسته‌اند و همین باعث شده که ویژگیهای اعراب بادیه در شعر جاهلی بیشتر جلوه کند تا خصوصیات عربهای شهر نشین.

۱-۸. زن و جایگاه او

انسان عرب زن را گرامی می‌داشته او را دوست داشته و قصیده را با ذکر زن آغاز می‌کرده است و بر هجران او یا کوچش ناله سر می‌داده و بر ویرانه‌های خانه‌اش می‌ایستاده و درخت و گیاه و آثار باقی مانده را مورد خطاب و وسیله‌ای برای گریستن و یاد گذشته شاد قرار می‌داده است.^۲

زنان در جامعه جاهلی به دو گروه آزاده و کنیز تقسیم می‌شدند زنان کنیز از مرتبه اجتماعی پایینی برخوردار بوده‌اند به گونه ای که اگر کسی از آنها صاحب فرزندی می‌شد این فرزند را به خود نسبت نمی‌داد و چنین چیزی را ما در مورد اغربه العرب می‌بینیم.^۳

اما در میان زنان جاهلی کسانی هم بودند که صاحب رای و نظر بودند و دارای جایگاهی در سیاست، جنگ، ادب، شعر، تجارت و صنعت بودند و شاید وجود این زنان دلیلی بر ترقی و پیشرفت عرب جاهلی شد، چرا که معمولاً زن در جوامع مترقی جایگاه والایی دارد.^۴

نگاه مردان جاهلی به زن دو گونه است گروهی زن را عروسکی زیبا می‌بینند که زیباییش آنان را بر می‌انگیزد و زبانهایشان را به وصف او و زینت هایش می‌گشاید اما نگاه دوم درست در نقطه مقابل نگاه

۱ - طه حسین، فی الشعر الجاهلی، ص ۷۷

۲ - احمد محمد الحوفی، الحیاة العربیة من الشعر الجاهلی، ص ۲۱۴

۳ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، ص ۷۲

۴ - جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیة، صص ۳۳-۳۵

اول قرار دارد یعنی گروهی هم هستند که زیبایی جسمانی زن را در نظر ندارند بلکه جمال و زیبایی معنوی او زیور و زینتهای اخلاقیش آنان را شیفته میکند پس زبانهایشان را به وصف و ستایش چنین زنی می‌کشایند.^۱ و در بخش صعالیک خواهیم دیدگاه که صعولک نسبت به زن چنین دیدگاهی است.

۹-۱. جنگ و خونریزی

شاید مهمترین ویژگی زندگی اجتماعی عرب جاهلی جنگجویی بوده که به شکل سنت و آیینی در میانشان در آمده بود تاجایی که از نظر آنها خون تنها با خون پاک می‌شده، آنان گرفتن دیه را عیب و عار می‌دانستند و معتقد بودند که اگر خونی از آنها ریخته شد، تنها با خونریزی باید جبران شود پس هر تعرضی که متوجه یک شخص شود بر همه‌ی قبیله سنگینی می‌کند و همه قبیله رفع آن را می‌طلبند، هر چند که با سلاح نبرد باشد.^۲

گاهی هم جنگ وسیله کسب روزی بوده چرا که برخی از عربها در کمین برخی دیگر بودند و این زندگی خشونت بار به منبعی از منابع روزی آنها تبدیل شده بود و آنها جنگ را وسیله ای از وسایل زندگیشان برگزیده بودند^۳ این جنگها تاریخ داخلی اجتماع عرب را تشکیل می‌داده ۳۳ و شاید تنها فایده این جنگها این بوده که باعث بیدار شدن قریحه شاعری، عزت نفسو خودداری از قبول ظلم در آنان می‌شده و باعث میشده که شاعران فراوانی در بین آنها ظهور کنند که از جمله این شاعران مهلهل برادر کلیب میباشد که شاهد جنگ بسوس بوده و در اثناء آن ذوق شاعریش بیدار شده و از اولین شاعران عصر جاهلی مورد نظر ما می‌باشد.^۴

۱ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، صص ۷۳-۷۴

۲ - عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، ص ۱۷

۳ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا قراگزلو، صص ۷۸-۷۹

۴ - جرجی زیدان تاریخ آداب اللغة العربیة، ابوء الاول، ص ۴۵

۱۰-۱. بازارها

بازار از گذشته جایگاه گرده همایی مردمان شهرها یا روستاها در زمانهای مشخصی بوده است که در آن به تبادل کالا و غیر آن می پرداخته اند عربهای جاهلی نیز بازارهایی داشته اند که در زمانهای مشخصی در آن گرد هم می آمده‌اند.^۱

این بازارها که عربها از سرزمین مختلف و با تمدنهای متفاوت قصد آن را میکردند و همین طور برخی از تاجران ایران، هند، مصر و روم به آنها رفت و آمد می کردند تمام این افراد در یک سرزمین با هم دیدار می کردند. کالاها، جنسها و اندیشه و افکار و نشانه‌های مختلف تمدن را در این بازارها و موسماها رد و بدل می کردند اثر فراوانی در عرصه ادبی داشتند و مشهورترین آنها عکاظ و ذولمجاز در نزدیکی مکه بوده اند و شاید همین بازارها در نزدیکی مکه باعث شده بود که در قریش در آن به کلام دیگر قبایل گوش فرا دهد و بهترین زبانهای آنان را برای سخن گفتن فراگیرد زشتیهای آن زبانها را دور بریزد. فصیح ترین عرب شود.^۲

۱۱-۱. دین جاهلی

طه حسین معتقد است شعر منسوب به جاهلی، زندگی جاهلی را خالی یا شبه خالی از احساس دینی قوی نشان میدهد، او معتقد است که قرآن کریم زندگی دینی قوی که اصحاب آن سخت بدان پایبند هستند را برای ما به تصویر می کشد، وگرنه دلیلی باقی نمی ماند که عربها در صدر اسلام به مخالفت با اسلام بپردازند و قریش فرزندان خود را با شکنجه و بیرون راندن و آنگاه جنگیدن عذاب کند، آری قریش دین و ایمانی داشته که سخت پایبند آن بوده و برای آن تلاش و مجاهدت و قربانی می کرده و همین طور یهود و نصاری و دیگران پایبند دینهای خود بوده‌اند.^۳

۱ - همان، ۱۶۸

۲ - جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربية، الجزء الاول، ص ۷۷

۳ - طه حسین، فی الشعر الجاهلی، ص ۷۳

به هر حال عربهای جاهلی برخی یهودی و برخی دیگر مسیحی بودند به غیر از پیروان این دو آیین بیشتر اعراب بت پرست بودند^۱ آنان تعدادی فراوانی از موجودات برتر یا موجوداتی که در افسانه‌ها برتر شمرده‌اند را بزرگ می‌پنداشتند و می‌پنداشتند آنها در سنگهای برنهاد «انصاب» و اشیاء مادی دیگر سکنی گزیده‌اند. از این جا پرستش سنگ و بتهایی که از سنگ می‌تراشیده‌اند در میانشان رواج یافته است و آنان آیین خاصی را برای این خدایان انجام می‌دادند.

ولی اعراب در کنار این خدایان به خدایی برتر به نام الله معتقد بودند که دست نیافتنی بود و برای همین به خدایان مادی و نیروی طبیعت مانند ستارگان، ماه، درختان و... که دست یافتنی تر بوده اند پناه می‌بردند ولی عاطفه دینی در نزد بدویان ضعیف بود. برای آن چندان ارزشی قائل نبودند و شاید علت تهی بودن ادبیات و شعر جاهلی از دین و موضوعات دینی، ضعف عاطفه دینی در میان اعراب بدوی باشد.^۲ و این میتواند ردی بر نظریه طه‌حسین باشد.

دوران جاهلیت به دوران شرک و بت پرستی به جای پرستش خدا معروف است ولی باید بدانیم که مردم در آن زمان بتها را به عنوان خالق و مدبر جهان قبول نداشتند بلکه آنها را شریک خدا می‌دانستند. فقط از این بتها به منظور تقرب و شفاعت در نزد خدای یگانه استفاده می‌کردند که نص صریح قرآن به آن اشاره می‌کند: «ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى: ما آنها را جز برای اینکه ما را بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی‌پرستیم.»^۳ و «... و يقولون هؤلا شفعاؤنا عندالله: می‌گویند: اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.»

در برابر این تعداد زیاد مردم که در جاهلیت به عبادت بت مشغول بودند عده‌ای روشنفکر هم بودند که از عبادت بتها خودداری می‌کردند و به دین توحیدی ابراهیم توجه داشتند که به این گروه احناف و به دین آنها حنیفه می‌گویند. اما در مورد دین مسیح لازم به ذکر است که دین مسیح از طریق روم و حبشه و مسیحیان حیره در جزیره العرب منتشر شد و بعضی از قبایل عرب مسیحی شدند.

۱ - حنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۱

۲ - همان، ص ۲۲

۳ - قرآن، سوره‌ی ۳۹

و اما یهودیان بعد از آنکه قیصر روم آنان را مورد شکنجه قرار داد و از شهرشان بیرون کرد به حجاز و یمن پناه آوردند یهودیانی که به یمن رفتند توانستند یکی از پادشاهان آنجا به نام ذونواس را یهودی کنند و یهودیانی که به حجاز رفتند در یثرب، خیبر، وادی القری و تیماء ساکن شدند.^۱

وقتی یهودیان به سرزمین عرب وارد شدند تعالیم تورات را منتشر کردند از جمله تاریخ پیدا شدن دنیا و زنده شدن دوباره انسان و قیامت و حساب و میزان و... و مفسرین تورات را تفسیر میکردند و به همراه اسطوره‌ای و خرافاتی که در آن واد شده بود در میان مردم تبلیغ می‌کردند و در نتیجه در یمن عربهایی از قبیل: کعب الاحبار، وهب بن منبّه و... یهودی شدند.

یهودیان کلمات فراوانی را وارد زبان عربی کردند که قبلا در آن نبوده است و اکثر آن اصلاحات دینی است مثل: جهنم، شیطان، ابلیس، و... علاوه براین که چند قرن تحت سلطه یونان و روم بودند فرهنگ یونانی را به جزیره‌العرب آوردند و حتی گروهی از آنان فلسفه یونانی را آموزش دیده بودند و آن فرهنگ در فرهنگشان نفوذ کرده بود و با وارد شدن آنها به جزیره‌العرب این فرهنگها هم به آنجا وارد شد لکن تاثیر عربها روی یهودیان بیشتر بود تا آنجا که گروهی از آنان در یثرب و وادی القری و فدک و تیماء به زبان عربی صحبت می‌کردند که مهمترین آنها سموال بن عادیا بود.^۲

در جزیره‌العرب بر بت پرستی و دین یهود و مسیح، آیین‌های دیگری نیز وجود داشته، از جمله آیین مجوس. ستاره پرستی و خورشید پرستی.^۳

۱-۱۲. احوال سیاسی در عصر جاهلی

قبایلی که در جزیره‌العرب زندگی می‌کردند در اساس و ساختار کلی شبیه به یکدیگر بودند مهمترین عملی که باعث اتحاد افراد قبیل میشد عصبیت بود و بنا به گفته ابن خلدون: «عصبیت» به معنی یاری کردن خویشاوندان و آشنایان در برابر ظلم و ستم و مشکلات طبیعی است.^۴

۱ - عبدالجلیل یوسف حسنی، الادب الجاهلی قضایا و فنون و نصوص، صص ۶۷-۷۶

۲ - احمد امین، فجر الاسلام، صص ۲۵-۲۳

۳ - عبدالجلیل یوسف حسنی، پیشین، ص ۷۶.

۴ - ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۱۳۸، عبدالجلیل سویف حسنی، پیشین، ص ۳۰

در هر قبیله رئیس یا شیخی بود که همه ی افراد قبیله او را به عنوان رئیس قبول داشتند او کسی بود که قبیله‌ها را در جنگها رهبری می‌کرد نیازمندان را یاری میرساند خطاکاران را عفو میکرد اسیران قبالی را آزاد می‌ساخت و غنایم جنگی را بین افراد قبیله تقسیم می‌کرد و... او فرد مستبد و خودرای نبود بلکه از همفکری دیگر ریش سفیدان قبیله و صاحبان خرد و اندیشه نیز استفاده می‌کرد و در مشکلات با آنان مشورت می‌نمود.^۱ و سموال بن عادیا این موضوع را به خوبی در بیتی آورده است:

اذا سید منا خلا قام سیداً قوول لما قال الکرامُ فعولاً^۲

یعنی: زمانی که سرور و آقای ما از دنیا می‌رود رئیسی دیگری که خوش گفتار است و به حرف‌های افراد کرمی گوش میدهد و عمل می‌کند روی کار می‌آید.

شیخ بزرگ قبیله را به این دلیل شیخ و یا امیر و یا سیدمی نامند که از شریف‌ترین مردان قبیله و ثروتمندترین و سالمندترین و با نفوذترین آنان انتخاب میشد و لازم بود صفات سخاوت و بیان فصیح و نیکو و بردباری و حکمت در او جمع باشد.^۳

افراد قبیله در سایه‌ی نظام قبیله‌ای، آزاد بودند و همه، حقوق مساوی داشتند و هیچ کس بر دیگری برتری نداشت و نباید کسی از قوانین قبیله سرپیچی میکرد و به این ترتیب بینشان وحدت برقرار بود و دلیلی برای تفرقه و پراکندگی وجود نداشت

زمانی که قبیله‌ای با قبیله‌ای دیگر هم پیمان میشد تمام حقوق قبیله‌ی مقابل را رعایت می‌کردند و آنان را علیه دشمنانشان یاری می‌رساندند ساکنان جزیره العرب جنگهای بسیار زیادی داشتند که اوضاع را سخت‌تر می‌کرد آنان به انگیزه‌های مختلفی با هم می‌جنگیدند، گاهی برای رسیدن به شرف و ریاست و گاهی بر سر آب و چراگاه و یا برای گرفتن انتقام کهنه و قدیمی و گاه آتش جنگ به وسیله یکی از اینها شعله‌ورتر می‌شد.^۴

۱ - عبدالجلیل یوسف حسنی، پیشین، ص ۳۰

۲ - البستانی، دیوانا عروۃ بن الورد و السموال، ص ۹۱

۳ - داود جرجسی، ادیان العرب قبل الاسلام و وجهها الحضاری و الاجتماعی، صص ۱۴۲-۱۴۳

۴ - عبدالجلیل یوسف حسنی، پیشین، ص ۴۲.

۱-۱۳. تمدن در عصر جاهلی

تمدن در عصر جاهلی موضوعی است که نیازمند بحثی عمیق و دقیق می‌باشد و ما در این مجلد، وقفه‌ای کوتاه و گذری سریع بر آن می‌کنیم.

شاید تمدن جاهلی مانند عرب جاهلی به دو بخش تقسیم می‌شود طه حسین معتقد است عرب جاهلی از زندگی عقلی و علمی بالایی برخوردار باشد او قدرتر عرب جاهلی را در مجادله با پیامبر را دلیل بر اینادعای خود میداند.^۱ و احتمالاً این قدرت علمی و عقلی بالا در عربهای بیشتر ظهور و بروز میکند. به هر حال عرب جاهلی دارای علومی است و از نظر عقلی هم معارفی را داراست و شعر جاهلی میتواند بهترین دلیل بر این مدعای ما باشد آنگاه که برخی معارف و دانشها و پندهای عرب جاهلی را به ما نشان میدهد و ابیات پایانی معلقه زهیر میتواند دلیلی بر این ادعای ما باشد:^۲

رَأَيْتُ الْمَنَايَا خَبَطَ عَشْوَاءَ مَنْ تُصَبِّ
تُهُتَهُ وَ مَنْ تُخَطِيءُ يُعَمَّرُ فِيهِمْ

اما عرب بدی به دلیل کوچ های بی دریچین امکاناتی در دسترسی ندارد که بر علوم خویش بیفزاید با این همه معارفی از راه تجربه و آزمایش به دست آورده است از حساب و طب و بیطاری چیزهایی می‌دانسته همانگونه که عرب جنوب از معماری و شهرسازی و روشهای زراعت و صنعت آگاهیهای داشته است بدویان از آن مقدار که برای خود و چهارپایانشان مفید باشد آگاه بودند و به ستاره‌شناسی توجه داشتند همانگونه که به معرفت انساب و اوصاف زمین و علم فراست و عیافت و عیافت و کفایت و عرافت و زجر الطیر و مانند آن مشهور بودند.^۳

به طور کلی تمدن جاهلی از دو جویبار سرچشمه گرفته: اول وراثت قدیم و دوم پرتو جدید، ولی وراثت قدیم که همان شکل‌های پوسیده و خرابه و سایه‌های کم نور هستند، برای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مناسب نیستند.

۱ - طه حسین، فی السفر الجاهلی، ص ۷۳

۲ - جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیة، الجزء الاول، ص ۲۰

۳ - حسنی الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، ص ۲۱

گرچه نقشها و آثار به دست آمده در سرزمین های عربی برآن دلالت دارند ولی این آثار بر تمدنهایی دلالت دارند که در طول زمان از بین رفته‌اند و تنها اشاره‌ای به آنها از طریق این آثار و همین طور قرآن کریم وجود دارد اما جویبار دوم با تمدن جدید در اثر رابطه عربها با تمدنهای همسایه از فارس و روم و مصر گرفته تا دیگران می‌باشد و از راه دولت های عرب، تجارت با دیگران و سفرهایی در پی علم یا مال و یا غیره کسب شده است.

با توجه به آنچه که گذشت مشخص می‌شود که زندگی عرب جاهلی برخلاف نظر برخی زندگی دور از تمدن و بدوی محض نیست بلکه زندگی متمدنی است که از دو تمدن قدیم و جدید بهره می‌برد و تمدن قدیم آن کمی قبل از اسلام به فاصله زمانی کمتر از ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال پایان یافته است آری عرب راتمدنی والا بوده که به گذر زمان از پهنه هستی محو شده و آنها را دوباره به همان زندگی بدویشان برگردانده ولی در میان زندگی بدوی محض و زندگی اجتماعی با گذشته متمدن فرق بسیار است.

انچه نوشتیم ذره‌ای بود از اقیانوس زندگی اجتماعی عصر جاهلی که به ما داد و نظری تازه داد و آن اینکه تمام عصر جاهلی را با یک نگاه نگرستن صحیح نمی‌باشد و همچنین نمی‌توان یک حاکم عمومی مطلق را بر تمام این عصر ارائه داد و نمی‌توان مهر بدوی بودن و جهالت را بر پیشانی تمام عربهای جاهل زد بلکه فرقهای فراوانی در این محیط اجتماعی وجود دارد بنابراین گرچه صحیح است که بعضی اعراب در صحراهای جزیره به دور از جهان متمدن آن زمان می‌زیسته اند ولی این نیز صحیح است که برخی محیطهای اجتماعی دیگر نیز در آن زمان وجود داشته که به جهان متمدن آن دوره متصل بودند.

و باز هم هر چه باشد در این مجال هدف ما تایید یا رد تمدن عرب در دوره‌های بسیار دور نمی‌باشد بلکه ما درصدد بررسی شعر جاهلی هستیم، در واقع آنچه از شعر جاهلی به دست ما رسیده به یکی دو قرن قبل از اسلام متعلق است.

جاحظ آنگاه که در الحیون شعر عربی را نوزادی کم سن سال می‌داند، که اولین کسانی که راه آن را پیمودند امروز القیس بن حجر و مهلهل بن ربیعہ می‌باشند این مطلب را کاملاً مد نظر داشته است و برای همین است که می‌گوید (... اگر ما در شعر بنگریم - تاشهور اسلام - آن را صدو پنجاه ساله می‌بایم) و

این نگرشی دقیق است چرا که ماقبل این زمان در شعر عربی ناشناخته است و تنها در عصر جاهلی که ما از آن سخن می‌گوییم، خبرهایی تقریباً واضح و روشن از حکومتها، امیران عرب شهرهای حجاز و مخصوصاً مکه جایگاه کعبه همین طور خبرهایی از قبایل عرب و ایام و جنگهای که میان آنها بوده است به دست ما رسیده است بنابراین دوره‌ای که ما از آن زبان و شعر جاهلی را به ارث برده‌ایم و در آن خط عربی تکامل یافته و کاملاً شکل گرفته همین دوره ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از اسلام می‌باشد و اینهمان عصر جاهلی است که ما مدنظر داریم.^۱

به هر حال این تصویر کوتاهی از زندگی جاهلی است زندگی که شاعران مدنظر ما در آن می‌زیسته‌اند و ادبیات جاهلی چه ادبیات این شاعران چه شاعران دیگر زاییده‌ی این زندگی و آینه آن می‌باشد و این دیدگاه از زندگی جاهلی که گذشت - ان شاءالله - به ما کمک خواهد کرد تا شعر این شاعران را بفهمیم و از ویژگیهای فنی و فکری آن پرده برداریم و آن را به محیطی که از آن صادر شده و زندگی که بدان الهام کرده است، ربط دهیم.

۱ - شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگولو، ص ۳۸